info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۰۲
چهارشنبه ۱/ مرداد/ ۱۴۰۴
۲۷ / محرم / ۱۴۴۷
23 / July / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

اشاره

بازگشت هیتلر

تاریخ هیچ‌گاه چهره واقعی آلمان نازی را فراموش نخواهد کرد. آلمان هیتلری با برافراشتن پرچم فاشیسم، دنیا را به ورطه جنگ جهانی دوم کشاند؛ جنگی که بیش از ۷۰ میلیون کشته بر جای گذاشت. آنچه امروز خطرناک است، شباهت‌های آشکار میان لحن صدراعظم کنونی آلمان با ادبیات جنگ‌طلبانه و نژادپرستانه هیتلر است. آیا باید مرتس را همتای جدید» نامید که به پوشش دموکراسی، به دنبال مشروعیت‌بخشی به تجاوزنسل‌کشی است؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، صدراعظم آلمان در یک گفت‌وگوی تلویزیونی در تاریخ ۱۷ ژوئن برابر با ۲۷ خرداد ۱۴۰۴، تجاوز نظامی اسرائیل به ایران را نعمتی محکوم نکرد، بلکه از آن تمجید کرد. او با لحنی بی‌پرده اظهار کرد: «این کار کثیفی است که اسرائیل برای همه ما انجام می‌دهد.» و سپس افزود: «ما باید قدردان جسارت ارتش اسرائیل و رهبران حکومت آن باشیم.» این اظهارات، پرسش‌هایی جدی را در مورد سیاست خارجی آلمان، بویژه در قبال اصول مورد ادعای این کشور در زمینه حقوق‌بشر، صلح‌طلبی و دموکراسی، برمی‌انگیزد. مروری اجمالی بر تاریخ معاصر آلمان نشان می‌دهد، این کشور کارنامه‌ای مملو از «کارهای کثیف» دارد؛ کارهایی بسیار فراتر از آنچه امروز در لفافه دیپلماسی و پشت واژه‌های زیبا پنهان می‌شود.

استعمار و نسل‌کشی پیش از دوران نازی‌سم

در اواخر قرن نوزدهم، آلمان سومین امپراطوری بزرگ استعماری بعد از امپراطوری بریتانیا و فرانسه شد. ارتش آلمان در جریان سرکوب وحشیانه قیام ضد استعماری «هایی‌ماجی» در تانزانیا (۱۹۰۵تا۱۹۰۷)، دست به کشتار گسترده مردم بومی زد؛ برآوردها از کشته شدن ۷۵ هزار تا ۳۰۰ هزار نفر حکایت دارند. پژوهشگران، این جنایت را یکی از اولین نسل‌کشی‌های قرن بیستم می‌دانند که زمینه‌ساز شکل‌گیری سیاست‌های نژادپرستانه در سال‌های بعد شد.

میراث خونین هیتلر

تاریخ هیچ‌گاه چهره واقعی آلمان نازی را فراموش نخواهد کرد. آلمان هیتلری با برافراشتن پرچم فاشیسم، دنیا را به ورطه جنگ جهانی دوم کشاند؛ جنگی که بیش از ۷۰ میلیون کشته بر جای گذاشت. آنچه امروز خطرناک است، شباهت‌های آشکار میان لحن صدراعظم کنونی آلمان با ادبیات جنگ‌طلبانه و نژادپرستانه هیتلر است. آیا باید مرتس را «همتای جدید» نامید که به پوشش دموکراسی، به دنبال مشروعیت‌بخشی به تجاوزنسل‌کشی است؟

تأمین‌کننده سلاح‌های شیعه‌ایی صدام

در دهه ۸۰ میلادی، شرکت‌های آلمانی بخش مهمی از زیرساخت‌های تولید سلاح‌های شیمیایی برای رژیم صدام را تأمین کردند. این تسلیحات، در حملات شیمیایی علیه غیرنظامیان ایرانی و کردهای عراق به کار رفتند. فجایع حلبچه و سردشت تنها نمونه‌هایی از این کار کثیف است که جهان را شوکه کرد. اما آلمان هیچ‌گاه پاسخگوی نقش خویش در آن جنایت‌ها نشد.

پایگاه رامشتاین آلمان: قلب عملیات‌های خونین آمریکا

پایگاه هوایی رامشتاین در خاک آلمان، بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در خارج از ایالات متحده و یکی از مراکز کلیدی فرماندهی عملیات‌های نظامی آمریکا و ناتو در خاورمیانه به شمار می‌رود. از حملات پهپادی در یمن و پاکستان گرفته تا پشتیبانی لجستیکی در جنگ‌های عراق و افغانستان، رد پای این پایگاه در بسیاری از جنایات جنگی آمریکا مشهود است. نقش این پایگاه در ماشین کشتار آمریکا در غرب آسیا مورد انتقاد بسیاری از قدیمی‌شدگان و گروه‌های ضد جنگ قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، برخی از نمایندگان بوندستاگ (پارلمان آلمان) نیز از نقش رامشتاین در جنگ‌های پهپادی آمریکا به عنوان رفتار ناقض حقوق‌بشر انتقاد کرده‌اند. آلمان اما نه تنها مانع این عملیات‌ها نشد بلکه به فعالیت‌های این پایگاه را پشتیبانی و تسهیل کرده است.

حمایت از تروریسم به سبک غربی

تناقض آشکار سیاست آلمان با ادعاهای حقوق‌بشری، همچنین در چند دهه در تروریسم‌ها و حمایت سیاسی از آنها نمایان است. چهره‌ای مانند جمشید شارمهد که در ایران به اتهام فعالیت‌های تروریستی و برنامه‌ریزی بمب‌گذاری تحت پیگرد قرار گرفته، در آلمان از حمایت‌های قضایی و رسانه‌ای برخوردار شد. تروریسم، اگر در راستای منافع ژئوپلیتیکی غرب باشد، از منظر آلمان قابل تحمل است.

دومین تأمین‌کننده تسلیحات نسل‌کشی در غزه

در جنگ‌های مکرر اسرائیل علیه مردم محاصره‌شده غزه، بویژه در سال ۲۰۲۳، آلمان پس از آمریکا دومین تأمین‌کننده اصلی تسلیحات برای رژیم تل‌آویو بوده است. تسلیحات آلمانی در حملات به مدارس، بیمارستان‌ها و پناهگاه‌های غیرنظامیان و حتی چادرهای آوارگان فلسطینی به کار رفته‌اند. بدین سان، آلمان بار دیگر در یک نسل‌کشی تاریخی و کشتار حدود ۶۰ هزار فلسطینی و تخریب متأثر و زیرساخت‌های مدنی غزه همدست بوده است.

سرکوب مخالفان نسل‌کشی

نعمت‌ها آلمان از نقش شرم‌آور خود در نسل‌کشی غزه دفاع کرده، بلکه هرگونه اعتراض و مخالفت با سیاست‌های اسرائیل را حتی در دانشگاه‌ها و رسانه‌های آلمان، با برچسب‌هایی چون «یهودستیزی» و «افراط‌گرایی» سرکوب کرده است. حتی اگر آن انتقاد از سوی یهودیان منتقد باشد. در شهرهای مختلف آلمان، دانشجویان تجمعات و راهپیمایی‌هایی در اعتراض به نسل‌کشی و جنایات جنگی رژیم تروریستی اسرائیل و حمایت آلمان از آن برگزار کردند. در این تجمعات، پلاکاردهایی دیده شد که روی آنها شعارهایی همچون: «شما در نسل‌کشی همدست هستید» و «فقط یک کشور وجود دارد، فلسطین ۴۸». «آزادی برای فلسطین»، «اسرائیل را تحریم کنید» و «آلمان یک کشور فاشیستی است» نوشته شده بود. پلیس آلمان همه این تجمعات را با خشونت مورد سرکوب قرار داده و صدها نفر را دستگیر کرده است.

سخن آخر

آلمان پای ثابت مهم‌ترین نسل‌کشی‌های تاریخ معاصر بوده است. سیاست خارجی آلمان، بویژه در مواردی مانند تدارک و پشتیبانی اقدامات نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل، چالش‌هایی جدی را در زمینه انسجام اصولی میان ادعاها و عملکردها ایجاد کرده است. اظهارات صدراعظم آلمان که باید جدیدترین شاهکار کثیف آلمان نامید، نشان داد واژگانی چون «حقوق‌بشر» و «صلح» در قاموس سیاسیون آلمانی، تنها ابزاری برای پیشبرد اهداف ژئوپلیتیکی ازدواگه غرب است. کشوری که گذشته‌اش با استعمار، نسل‌کشی، جنگ و جنایت گره خورده و حالش با تأمین سلاح، پناه دادن به تروریست‌ها، بستن مراکز فرهنگی اسلامی و حمایت از تجاوز نظامی به ملت‌های مستقل تعریف می‌شود، صلاحیت هیچ‌گونه موعظه‌ای در باب اخلاق ندارد.

محمدحسن عیدیانی
کارشناس مسائل بین‌الملل

امروز با حافظ

شکرِ ایـزد که میـانِ من و او صـلح افتاد
صـوفیان رقـص کنان ساغرِ شکرانه زدند
آتش آن نیست که از شعله او خندد شمع
آتش آن است که در خرمنِ پروانه زدند

اندیشه

مَرا از صافیِ مَشرَب زِ خود دانند، هر قومی
که هر ظرفی، به رنگِ خود بَرآرد آبِ روشن را
صائب

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۲۷	۰۵:۰۷	۱۲:۲۱	۱۹:۱۷	۱۹:۳۷

برگه

باهوش‌ها از همه چیز و همه کس می‌آموزند. انسان‌های معمولی از تجربیات خود، نادان‌ها هم جواب همه‌چیز را دارند...

سقراط

گزارش روز

سفر به ماه واقعیت بود یا دروغ بزرگ ناسا؟!

بین ۶ تا ۳۰ درصد از آمریکایی‌ها، ۲۵ درصد از بریتانیایی‌ها و ۲۸ درصد از روس‌ها بر این باورند که فرود آیولو ۱۱ بر سطح ماه ساخته‌ی بوده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرارو، ۵۶ سال پیش، در ۱۶ ژوئیه ۱۹۶۹، فضایی‌های آیولو ۱۱ به سوی ماه پرتاب شد. چهار روز بعد، در روز ۲۰ ژوئیه، نیل آرمسترانگ به نخستین انسانی تبدیل شد که پای بر سطح ماه گذاشت.

آرمسترانگ و همراهش در این مأموریت، باز آلدرین، دو ساعت و نیم را بر سطح ماه سیری کردند و منطقه‌ای را کاوش نمودند که بعدها «پایگاه آرامش» نام گرفت. این دو نفر ۲۱.۵ کیلوگرم نمونه خاک ماه را به زمین بازگرداندند و در مجموع ۲۱ ساعت و ۳۶ دقیقه را بر سطح این جرم آسمانی گذراندند.

تا به امروز، ناسا شش بار انسان به ماه فرستاده است که این مأموریت‌ها بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۲ و در چارچوب برنامه آپولو انجام شدند. در حال حاضر، آژانس فضایی آمریکا در پی آن است که ماه را به عنوان دروازه‌ای به فضای عمیق‌تر، به‌ویژه مریخ، مورد استفاده قرار دهد. با این حال، شکست‌های اخیر برخی کشورها در تلاش برای فرود بر ماه، نظریه‌های توطئه‌ای را دوباره زنده کرده که ادعا می‌کنند انسان هرگز بر ماه فرود نیامده است.

نظریه جعلی بودن فرود بر ماه توسط بیل کیسینگ

به گزارش بورونیوز، ویلیام بیل کیسینگ، افسر سابق نیروی دریایی آمریکا که در یکی از شرکت‌های سازنده موشک برای ناسا در برنامه آپولو کار می‌کرد، نخستین کسی بود که فرضیه جعلی بودن خبر فرود انسان بر ماه را مطرح کرد. او در سال ۱۹۷۶ کتابی با عنوان «ما هرگز به ماه نرفتیم» کلاهبرداری سی میلیارد دلاری آمریکا» منتشر کرد و ادعا نمود که کمپانی‌های تلاشی وان آن (سیر مغناطیسی زمین) باعث سوختن قفسه‌ی می‌شود که قسد عبور از آن را داشته باشند.

او همچنین به این نکته اشاره کرد که عدم مشاهده ستارگان در عکس‌های گرفته‌شده روی سطح ماه و موج‌دار بودن پرچم آمریکا با وجود نبود جو، دلایل دیگری برای اثبات جعلی بودن فرود آیولو ۱۱ بر سطح ماه هستند.

در نهایت، او مدعی شد که تصاویر گام نهادن انسان بر ماه با استفاده از جلوه‌های ویژه فیلم «۲۰۰۱: ادیسه فضایی» ساخته استنلی کوبریک تهیه شده‌اند.

محافظت در برابر تشعشعات کمربندون آن

کمربندهای وِن آلـن دو حلقه از ذرات پرانرژی هستند که زمین را احاطه کرده‌اند و از بادهای خورشیدی نشأت می‌گیرند. برخی معتقدند که انسان نمی‌تواند از این کمربندها بدون دریافت دوز مرگباری از تشعشع عبور کند.

نگشمندان مأموریت آپولو ۱۱ برای مقابله با این خطر، بدنه فضاپیما را با آلومینیوم عایق کردند و مسیری را انتخاب کردند که زمان حضور در کمربندها را به حداقل برساند.

دادعهای ۹ مأموریت آپولو که به ماه رسیدند نشان می‌دهند که میزان تشعشع دریافتی فضانوردان به طور میانگین ۰.۶۴ رِد بوده است؛ عددی که اگرچه از برخی کارگران نیروگاه‌های هسته‌ای کمتر است اما حدود ۱۰ برابر بیش از میزان دریافتی کارکنان درمانی با دستگاه‌های اشعه ایکس است.

ماجرای پرچم آمریکا و ستارگان نامرئی

در مورد پرچم نصب‌شده روی ماه، راجر لونیوس، تاریخ‌نگار ارشد سابق ناسا در سال ۲۰۱۹ توضیح داد که میله‌ای افقی در بالای پرچم قرار داده شده بود تا از آویزان شدن آن جلوگیری شود.

او گفت: «آرمسترانگ و آلدرین ناخواسته این میله را کمی خم کردند و پرچم حالت لرزشی پیدا کرد. آن‌هاناگزان بودند که میله به زمین بیفتد، بنابراین قوری از آن عکس گرفتند و حرکت پرچم را ثبت کردند.»

همچنین، امیلی دِرایک-موندز، ستاره‌شناس رصدخانه سلطنتی گرینویچ بیان کرده که سرعت بالای شاتر دوربین‌های فضانوردان برای ثبت نور ضعیف ستارگان کافی نبوده و همین دلیل غیبت آن‌ها در عکس‌هاست.

ماجرای جعلی «کوبریک» و فیلم ساختگی

ادعای فیلمبرداری فرود بر ماه در استودیوهای هالیوود عمدتا از فیلمی به نام «Shooting Kubnck» در سال ۲۰۱۵ سرچشمه می‌گیرد که در آن بازیگری نقش کوبریک را بازی می‌کند و می‌گوید: «من تصاویر فرود را جعلی ساختم، همه چیز را فیلمبرداری کردم.»

این شخص کوبریک واقعی نیست و فیلم یادشده صرفاً نسخه‌ای خیالی از زندگی این کارگردان است. کارشناسان سینما نیز تأکید دارند که با فناوری دهه ۱۹۶۰ تولید تصاویر واقعی از محیط ماه ممکن نبود.

هلوا دیری از دانشگاه برتفورشر می‌گوید: «فیلم سینمایی با ۲۴ فریم در ثانیه ضبط می‌شود، در حالی که پخش تلویزیونی بین ۲۵ تا ۳۰ فریم است. دستگاه‌های دهه ۶۰ نمی‌توانستند تصاویر آهسته‌ای به مدت بیش از ۳۰ ثانیه ذخیره کنند. برای داشتن ۴۳ دقیقه ویدئوی آهسته، باید ۴۷ دقیقه تصویر زنده ضبط می‌شد که آن زمان ممکن نبود.»

تا به امروز، بیش از ۸۴۰۰ عکس از مأموریت‌های آپولو منتشر شده، هزاران ساعت فیلم، نسخه کامل مکالمات صوتی و اسناد موجود است.

فضانوردان آمریکایی در مجموع ۳۸۲ کیلوگرم نمونه خاک ماه را بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۲ به زمین آوردند. این نمونه‌ها در سراسر جهان برای تحقیقات علمی توزیع شده‌اند و هیچ‌گاه امکانات آن‌ها زیر سؤال نرفته است.

امروزه مدارگرد شناسایی ماه (LRO) ناسا از مدار پایین، تصاویر دقیقی از سطح ماه، محل فرود آپولو ۱۱، تجهیزات باقی‌مانده، رد پاها و وسایل کاوشگر ثبت کرده است.

ماهواره‌های فضایی هند، چین و ژاپن نیز محل‌های فرود را دیدبانی کرده‌اند و گواهی مستقل بر اصالت فرودها ارائه داده‌اند.

آرمسترانگ و آلدرین همچنین بازتاب دهنده‌های لیزری را روی سطح ماه قرار دادند که هنوز هم در حال بازتاب پرتوهای لیزر از زمین هستند و امکان اندازه‌گیری دقیق فاصله زمین تا ماه را فراهم می‌کنند.

برنامه آپولو در اوج خود بیش از ۴۰۰ هزار آمریکایی را به کار گرفت. اجرای چنین پروژه جعلی‌ای نیازمند سکوت هزاران مهندس، دانشمند و فضانورد در طول چندین دهه است؛ چیزی که از دید کارشناسان عملاً غیرممکن است.

رقابت فضایی آمریکا و روسیه

رقابت فضایی بین آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز برخی از نظریه‌های توطئه را تغذیه کرده است. با این حال، رهبران شوروی که از سیستم اطلاعاتی بسیار گسترده‌ای برخوردار بودند، موفقیت آپولو ۱۱ را تبریک گفتند. به‌تازگی یوری بوریسوف، رئیس سازمان فضایی روسیه، اعلام کرد که آمریکا نمونه‌هایی از خاک ماه را به روسیه داده و آکادمی علوم روسیه اصالت آن‌ها را تأیید کرده است.

با وجود پیشرفت‌های امروزی، شکست مأموریت‌های جدید باعث افزایش تردیدها شده است. در سال ۲۰۲۳ مأموریت هاکوتو-آر (Hakuto-R۱) از شرکت ژاپنی آی‌اسپیس (ispace) و مأموریت روسی لونا-۲۵ (Luna-۲۵) هر دو شکست خوردند. مأموریت آمریکایی پرگرین (Peregrine) نیز در سال ۲۰۲۴ موفق نبود.

کارشناسان این شکست‌ها را ناشی از کمبود بودجه و اراده سیاسی می‌دانند. برنامه فضایی چین که اخیراً با موفقیت یک فرودگر را به سمت پشت ماه فرستاد، ممکن است محرکی برای آمریکا باشد.

با این حال، طبق گزارش بیزینس اینسایدر، بودجه ناسا برای انجام مأموریتی مشابه آپولو کافی نیست. پروژه آرتمیس، تلاش ناسا برای بازگرداندن انسان به ماه با مشکلات مالی مواجه شده است.

به گزارش اسپیس دات کام (Space.com)، در صورت محاسبه تورم، هزینه کل برنامه آپولو بیش از ۲۶۰ میلیارد دلار بوده است. اگر برنامه‌های قبلی مانند جمینی و مأموریت‌های رباتیکی را نیز در نظر بگیریم، این عدد به بیش از ۲۸۰ میلیارد دلار می‌رسد.

در مقابل، ناسا طی دهه گذشته تنها ۹۰ میلیارد دلار برای پروژه آرتمیس هزینه کرده و حتی این بودجه نیز در کنگره با چالش مواجه بوده است. امروزه، فضاپیماهای مدرن پیچیده‌تر از طراحی‌های ساده آپولو هستند و باید از نظر ایمنی، پشتیبانی و فناوری پیشرفته آزمایش شوند.

دلیل دیگر تأخیر، وابستگی ناسا به شرکت‌های خصوصی است. پس از توقف پروژه شاتل در سال ۲۰۱۱ به دلیل هزینه‌های بالا (هر پرواز بین ۴۵۰ میلیون تا ۱.۵ میلیارد دلار) و خطرات آن، ناسا به دنبال سیستم‌های مقرون‌به‌صرفه‌تر رفت.

از آن زمان ناسا برای انتقال فضانوردان حتی به ایستگاه فضایی بین‌المللی (ISS) به سیستم روسی سایوز متکی بود. از سال ۲۰۱۹، اسپیس‌ایکس حمل‌ونقل فضانوردان را بر عهده گرفت و ناسا تصمیم گرفت مأموریت‌های سرنشین‌دار را از طریق مناقصه به شرکت‌های خصوصی (مانند اسپیس‌ایکس و بوئینگ) بسپارد.

مکث

رسوایی در کنسرت کلدپلی، مدیرعامل Astronomer را مجبور به استعفا کرد

«کِتی پاری‌رون»، مدیرعامل استارتاپ نرم‌افزاری استرونومر (Astronomer)، پس از آنکه در کنسرت Coldplay دوربین او را در حالتی صمیمی با مدیر ارشد متایع انسانی شرکتش شکار کرد، مجبور به استعفا شد. فیلم او در کنسرت در چند روز اخیر به سرعت در سراسر جهان وایرال شد و بحث‌های گسترده‌ای را درباره اخلاق حرفه‌ای نظارت بر عصر دیجیتال و دوربینی مدیران به راه انداخته است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دیجیتالو، چهارشنبه‌شب در کنسرت گروه موسیقی کلدپلی در ماساچوست اتفاقی رخ داد که زندگی حرفه‌ای دو مدیر ارشد را برای همیشه تغییر داد. دوربین بزرگ استادیوم که به «دوربین بوسه» (Kiss Cam) شهرت دارد، بر روی اندی بایرون، مدیرعامل متأهل شرکت Astronomer و «کریستین کابوت»، مدیر ارشد متایع انسانی (و همچنین متأهل) این شرکت، زوم کرد در حالی که در حالتی صمیمی در آغوش هم بودند.

واکنش مکرر این دو نفر برای پنهان شدن از دوربین، همه چیز را بدتر کرد. «کریس مارتین»، خواننده گروه کلدپلی، با دیدن این صحنه به شوخی گفت: «یا این دو باهم رابطه پنهانی دارند یا فقط خیلی خجالتی هستند.» همین چند تا تبه کافی بود تا این ویدیو به سرعت در تیک‌تاک و سایر شبکه‌های اجتماعی با میلیون‌ها بازدید وایرال شود و در عرض ۲۴ ساعت بیش از ۲۲ هزار مقاله خبری درباره آن منتشر گردد.

استعفای مدیرعامل استارتاپ Astronomer

شرکت Astronomer، که یک استارتاپ موفق در حوزه نرم‌افزار و عملیات داده (DataOps) است و به تازگی ۹۳ میلیون دلار سرمایه جذب کرده بود، در ابتدا هر دو مدیر را به مرخصی اجباری فرستاد اما با افزایش فشارها، این شرکت روز شنبه با انتشار بیانیه‌ای رسمی، استعفای اندی بایرون را تأیید کرد. در این بیانیه آمده است: «از رهبران ما انتظار می‌رود که هم در رفتار و هم در پاسخگویی، استانداردها را تعیین کنند و اخیراً آن استانداردها رعایت نشده است.»

«جیت دی‌جوی»، هیجان‌گیز شرکت، به عنوان مدیرعامل موقت منصوب شده و جستجو برای یافتن یک جایگزین دائمی آغاز شده است.

این اتفاق بحث‌های گسترده‌تری را نیز به همراه داشته است؛ بسیاری از کاربران به این نکته اشاره کرده‌اند که مدیر ارشد متایع انسانی، فردی که معمولاً به دیگران درباره روابط در محیط کار هشدار می‌دهد، خود در مرکز این رسوایی قرار داشته است.

برخی تحلیل‌گران این رویداد را «نمادی از دیستوپیای نظارت شبکه‌های اجتماعی» خوانده‌اند و به این موضوع پرداخته‌اند که چگونه در عصر دیجیتال یک لحظه خصوصی می‌تواند به‌سرعت به یک بحران عمومی تبدیل شود و زندگی افراد را نابود کند. البته با وجود انتقادها، کارشناسان حقوقی یادآوری می‌کنند که در اکثر رویدادهای بزرگ به تماشاگران اطلاع داده می‌شود که ممکن است از آنها فیلم‌برداری شود و حضور آنها به منزله رضایت است.

دیدگاه

حذف کنکور یا غولی که نامش تغییر می‌کند؟!

در روزگاری نه‌چندان دور، کنکور کابوس شبانه میلیون‌ها نوجوان بود. یک آزمون چند ساعته که سرنوشت دوطفلان ورود به دانشگاه را تعیین می‌کرد. نفس‌گیر، پراضطراب و صدالبته متنج درآمدی میلیاردی برای مؤسسات آموزشی خصوصی. البته که هنوز هم هست.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جوان، شاید این غول بی‌شاخ و دم، با وجود تأثیر نمرات امتحانات نهایی، کمی عقب‌نشستی کرده‌باشد. اما ابهت خود را از دست نداده‌است. با این حال وزیر علوم با افتخار اعلام می‌کند که بیش از ۸۵ درصد داوطلبان بر اساس سوابق تحصیلی وارد دانشگاه‌ها می‌شوند و بر این اساس ما به سمت حذف کنکور حرکت می‌کنیم.

شاید این خبر خوبی باشد اما پاسخ به این سؤال هم مهم است که آیا با این کار، گامی به سوی عدالت آموزشی برداشته‌ایم یا تنها جای «صنعت کنکور» را با «صنعت امتحانات نهایی» و شاید هم در دوی آنها عوض کردیم؟ چه سنجش از طریق آزمون تستی باشد، چه امتحانات تشریحی؛ تا وقتی آموزش در مدارس کیفیت مطلوب و یکسان نداشته‌باشد، تفاوت اساسی در نتیجه‌ندارد. دانش‌آموزی که در مدرسه‌ای با امکانات ضعیف، معلم‌های بی‌انگیزه و متابع محدود درس خوانده، نمی‌تواند با همتایان خود در مدارس دیگر رقابت کند و باز هم موفقیت از آن کسانی خواهد بود که در مدارس گرانقیمت با امکانات بهتر و آموزش باکیفیت درس خوانده‌اند. شاید حذف کنکور بتواند فشار روانی را کمتر کند اما اگر بهبود کیفیت آموزش اتفاق نیفتد، عدالت فقط یک کلمه زیباست که در بیانیه‌های رسمی و نقل قول مسئولان، تکرار می‌شود. بی‌آنکه محقق شود. بی‌تردید زمانی عدالت آموزشی محتا پیدا می‌کند که همه دانش‌آموزان، فارغ از متطقه جغرافیایی و وضعیت اقتصادی خانواده از آموزش استاندارد بهره‌مند شوند.

متأسفانه کنکور سال‌هاست که به عنوان یک تجارت عظیم، سودهای کلان برای مؤسسات ناشران و برگزارکنندگان آزمون به همراه داشته‌است. اکنون که قرار است وزن سنجش بر پایه امتحانات نهایی باشد، بسیاری نگرانند که این صنعت فقط شکل خود را عوض کند. یحتی جای مؤسسات تستزنی را کلاس‌های حل تمرین امتحان نهایی و انتشار جزوات پررزوبرق بگیرد. شبیه به همان چیزی که در سال تحصیلی گذشته شاهدش بودیم.

در چنین شرایطی، باز هم دانش‌آموزان تحت فشار قرار می‌گیرند و والدین‌شان عذاب می‌کشند و جیب‌های زیادی نیز خالی می‌شوند. بدون شک حذف کنکور، به‌تنهایی تضمین‌کننده عدالت آموزشی نیست. تا زمانی که نظام آموزش عمومی تقویت نشود، فرصت‌های برابر فراهم نشود و نظارت بر کیفیت آموزش‌ها جدی گرفته نشود، هر تغییری در سنجش فقط پوسته‌ای نو بر بدنه‌ای ناکارآمد است. بنابراین باید با حساسیت بیشتر و نه با هیجان، به این ماجرا و این تغییر نگاه کنیم. اینکه مبادا کنکور برود اما عدالت آموزشی نباشد و راهی که طی کردیم نیز به ناکجاآباد برود.

مهسا گروندی

برش

آخر الزمان «منظومهٔ شمسی» کی اتفاق می‌افتد؟

پس از خاموشی خورشید، چه سرنوشتی در انتظار منظومه شمسی خواهد بود و این منظومه تا چه مدت پابرجا خواهد ماند؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرادید، منظومه شمسی ما نزدیک به ۴۶ میلیارد سال قدمت دارد. هرچند این رقم بسیار زیاد به‌نظر می‌رسد، اما تنها نقطه کوچکی در داستان ۱۳۸ میلیارد ساله‌ی جهان هستی است و یک روز منظومه شمسی هم پایان خواهد یافت. اما کی و چگونه؟ پاسخ این پرسش‌ها به این بستگی دارد که چگونه مرگ منظومه شمسی را تعریف کنیم.

منظومه شمسی شامل هشت سیاره، چندین سیاره کوتوله، صدها قمر و میلیاردها سیارک و دنباله‌دار و شهاب‌سنگ می‌شود. مرز دقیق منظومه شمسی بحث‌برانگیز است اما سه مرز اصلی وجود دارد: کمربند کوئیپر، منطقه‌ای از اجسام یخی فراتر از نپتون؛ هلیوپاز، جایی که میدان مغناطیسی خورشید پایان می‌یابد و باد پرانرژی یک‌اثر یخی فرضی که فراتر از کمربند کوئیپر و هلیوسفر قرار دارد و البته در مرکز همه این‌ها، «خورشید» با نیروی گرانشی عظیم خود همه چیز را کنار هم نگه می‌دارد.

خورشید نیز مانند همه ستارگان در نهایت خواهد مُرد. در حال حاضر، خورشید با تبدیل هیدروژن به هلیوم در هسته‌اش از راه فرآیندی به نام همجوشی هسته‌ای، گرما و نور تولید می‌کند. به گفته فرد آدامز، اخترفیزیکدان نظری دانشگاه میشیگان، خورشید نزدیک به ۵ میلیارد سال دیگر به سوزاندن هیدروژن ادامه خواهد داد. اما وقتی این سوخت هیدروژنی تمام شود، خورشید ناپایدارتر خواهد شد. هسته آن فرو می‌ریزد، سطحش گسترش می‌یابد و تبدیل به یک غول سرخ سرد و متورم می‌شود که ابتدا عطارد و سپس زهره را در بر می‌گیرد.

آدامز توضیح می‌دهد گرچه ممکن است زمین در مرز سطح غول سرخ باشد، اما به احتمال زیاد زمین نیز توسط این غول سرخ بلعیده خواهد شد. البته تا آن زمان، انسان‌ها مدت‌ها پیش از بین رفته‌اند. مریخ احتمالاً از غول سرخ جان سالم به در خواهد برد و سیارات بیرونی هم به شکل ایمن بیرون از دسترس غول سرخ خواهند بود. همچنین ابر اورت ناپایدار خواهد شد و هلیوسفر هم کوچک‌تر می‌شود.

حدود یک میلیارد سال بعد، خورشید به اندازه زمین کوچک شده و تبدیل به یک کوتوله سفید می‌شود؛ هسته‌ای کم‌نور و بسیار متراکم‌تر از آنچه پیش‌تر بود. منظومه شمسی به مکانی یخ‌زده و متروک تبدیل خواهد شد.

آلن استرن، دانشمند سیارهای و محقق اصلی مأموریت نیو هورایزنز گفته: «از دید قابلیت زیست‌پذیری، این کم و بیش پایان منظومه شمسی است».

اگرچه مرگ خورشید پایان منظومه شمسی به شکلی است که ما آن را می‌شناسیم، اما لزوماً به معنی نابودی کامل آن نیست. استرن می‌گوید: «یک جواب دقیق و علمی این است که منظومه شمسی به دلیل تکامل خورشید یا مرگ خورشید هیچ‌گاه به شکل کامل پایان نمی‌یابد.» حتی وقتی خورشید به یک ذغال سوخته تبدیل شود، بسیاری از اجرام از جمله سیارات بزرگی مانند مشتری به گردش خود ادامه خواهند داد.

آدامز می‌گوید در آینده‌های دورتر، احتمال پیش‌آمدن رویدادهای نادر افزایش می‌یابد. بدون نیروی گرانشی خورشید، منظومه شمسی روزبه‌روز بی‌ثباتتر خواهد شد. چون تعادل گرانشی آن تغییر می‌کند، خطر بر خوردها، عبور ستارگان یا انفجارهای ابرنواختری که خیلی نزدیک منظومه شمسی می‌شوند و موجب از هم پاشیدن اجرام و سنگ‌های آسمانی می‌شوند، هم افزایش خواهد یافت.

حتی اگر منظومه شمسی از یک برخورد فاجعه‌بار در امان بماند، باز هم از ابد دوام نخواهد آورد. برخی دانشمندان همچنین باور دارند پروتون‌هایی که جهان ما را می‌سازند، دچار فروپاشی خواهند شد. این پدیده تاکنون هرگز مشاهده نشده، اما آزمایش‌های نظری عمر پروتون‌ها را بیش از ۱۰۳۴ سال برآورد کرده‌اند و با ادامه پژوهش‌ها درباره دوام آن‌ها، ممکن است این عدد باز هم افزایش یابد.